

بسمه تعالی

نامه ای به وزیر علوم تحقیقات و فناوری

جناب آقای دکتر زلفی گل

با سلام و تحیات

از سال ۱۳۸۹ برنامه ریزان و سیاستگذاران تعلیم و تربیت عمومی کشور، با هدف ارتقای منزلت اجتماعی کار و اشتغال در جامعه، با انتقال آموزشکده های فنی و حرفه ای به وزارت عتف موافقت نمودند، به این امید که با استقرار **نظام آموزش حرفه ای** در صنعت، خدمات و کشاورزی، همانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که بیمارستانهای کشور را به **مراکز آموزشی درمانی** تبدیل نموده اند، آموزشکده های سراسر کشور نیز به مراکز آموزشی تولیدی، آموزشی خدماتی و آموزشی کشاورزی تغییر ماهیت دهند و به رسالت اصلی خود یعنی انستیتو تکنولوژی های اوایل انقلاب بازگردند. اما متأسفانه به دلیل **بی اطلاعی** و عدم شناخت مسئولان سازمان مرکزی و اعضای هیات امنای این دانشگاه **از نظام آموزش حرفه ای**، از سال ۱۳۹۰ تمامی آئین نامه های مالی، اداری، آموزشی براساس نظام آموزشی دانشگاه های نظری کشور تغییر یافت و خرابی های هولناکی را در آموزشکده های سراسر کشور به بار آورد.

فقط با تصویب آخرین چارت سازمانی توسط هیات امنای این دانشگاه **میلیاردها** تومان به بیت المال ضرر وارد شد. برای مثال برای تصدی یک کتابخانه در یک آموزشکده، که قبل از آن توسط یک کتابدار اداره می شد، همانند سایر دانشگاه های نظری، پنج پست سازمانی به تصویب رسید (رئیس، دو نفر کارشناس مسئول و دو نفر کارشناس) اما برای بیش از شصت کارگاه و آزمایشگاه در همان آموزشکده (که در سامانه آزمایشگاه های وزارت علوم «شاعا» ثبت شده اند) حتی یک پست متصدی نیز به تصویب نرسید. یعنی **مسئولیت قانونی** نگهداری از تجهیزات کارگاهی و آزمایشگاهی، که در طول پنجاه سال خریداری و در مراکز مستقر شده اند، رسماً از کارکنان، اساتید و مسئولان مراکز، **سلب گردید** و میلیاردها تومان اموال بیت المال بلا تکلیف و بدون مسئول رها شدند.

از طرفی با حذف پست سازمانی مسئول آزمایشگاه و کارگاه ها از چارت سازمانی این دانشگاه، عملاً خرید میلیاردها تومان تجهیزات برای راه اندازی آزمایشگاه های مرکزی به باد رفت. چراکه بر اساس قوانین سازمان استاندارد، فقط آزمایشگاه هایی حق ارائه خدمات به بخش صنعت را دارند که طبق حکم کارگزینی رئیس یا کارشناس مسئول آزمایشگاه باشند.

در همین سالهای اخیر تغییر سرفصلهای دروس به تصویب هیات امنای رسید و در نهایت تاسف بیش از هفتاد درصد واحدهای آموزشی به واحدهای نظری اختصاص یافت.

با تسری دادن **قوانین ارتقای اساتید** دانشگاه های نظری به این دانشگاه، عملاً تمامی انگیزه اعضای هیات علمی برای حضور در کارگاه ها از بین رفت. در حال حاضر تمامی اساتید بر اساس تعداد مقالات ISI ارتقاء می یابند و حتی در همین اواخر، در نهایت ناباوری به بهانه صدور **حکم هیات علمی تمام وقت** پای اساتید صاحب فن و حرفه را از حضور در شرکتها و کارخانه هایی که تاسیس کرده اند، قطع نمودند.

این **خرابی ها و حیف و میل بیت المال** توسط اعضای محترم هیات امنا، کاملاً طبیعی است، چرا که هیچ اطلاعی از **نظام آموزش حرفه ای** و مختصات آن ندارند.

می دانم شرح ویرانی ها و خسارتهای به بار آمده از تصویب آئین نامه ها و قوانینی که به قصد انطباق دانشگاه فنی و حرفه ای با دانشگاه های نظری از حوصله این مرقومه خارج است هر چند در طول سالهای اخیر به ویژه پس از انتقال از سازمان مرکزی به دانشکده تبریز در مقالات و دست نوشته های مختلف به تفصیل به آنها پرداخته ام.

(مقاله های: دانشگاه فنی و حرفه ای آرزوی بر باد رفته ۱۳۹۳ - چرا کار از دست رفت ۱۳۹۴ - برنامه ریزی درسی برای دانشگاه فنی و حرفه ای ۱۳۹۵ - دانشگاه نه فنی و نه حرفه ای ۱۳۹۶ - توهم استانی شدن ۱۳۹۷ - آقای رئیس به تبریز نیاید ۱۳۹۸ - خراب تر نکند ۱۳۹۹ - وینار مرگ ۱۳۹۹ - نظام آموزش حرفه ای ۱۴۰۰ - منزلت اجتماعی کار ۱۴۰۰)

اجازه می خواهم در این مجال، به پیشنهادات اجرایی برای **اصلاح این آسیب ها** قناعت کنم.

پیشنهادات:

پیشنهاد اول:

پیش از هر چیز پیشنهاد می گردد به شرح ذیل، **اعضای جدیدی** به عنوان هیات امنای دانشگاه فنی و حرفه ای برگزیده شوند.

۱. یک نفر متخصص تعلیم و تربیت، آشنا به انواع نظام های آموزشی کشور که قادر به **تبیین مختصات نظام آموزش حرفه ای** باشد.

۲. یک نفر تربیت یافته در نظام های آموزش حرفه ای رسمی در کشور مانند متخصصانی که در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی متولی تربیت تکنسینهای ماهر در حوزه بهداشت و درمان یا پیراپزشکی بوده اند و در کارنامه خود مسئولیت تربیت تکنسین های حرفه ای (مانند تکنسین اتاق عمل، یا متصدی آزمایشگاه، اپراتورهای پرتو درمانی، هوشبری، تعمیر و نگهداری تجهیزات پزشکی و...) را دارند، یا تربیت یافته رشته های نظامی هوانوردی، دریانوردی و... که با قوانین آموزش حرفه ای رسمی و دانشگاهی سطح تکنسین و کارشناس حرفه ای (مانند تکنسین پرواز، متصدی شناور، تکنسین رادار، مسئول نگهداری از ادوات و...) آشنا باشند.

۳. سه نفر متبحر و با تجربه از سه حوزه صنعت، خدمات و کشاورزی که نقش حیاتی تکنسین ها و کارشناسان حرفه ای را در سرپا نگهداشتن صنایع، شرکت ها و کارخانه ها از نزدیک لمس کرده اند.

۴. یک نفر از پیشکسوتان آموزشکده های کشور دارای سابقه مدیریت که با اساس کار انستیتو تکنولوژی های سابق و نظام اداری، آموزشی و مالی آنها آشنا هستند.
۵. و مهم تر از همه یک نفر آشنا به اصل بنیادین اسلام و متخصص در امر تبیین اجرایی توحید و یکتاپرستی در برنامه ریزهای کلان ملی که قادر باشد برنامه ها، دستورالعمل ها و سیاستهای اصلی آموزشی و حرفه ای را به سوی **قبله واحد** و هدفهای مشترک، همسو و هم جهت سازد. تا این دانشگاه به یک ارگانسیم زنده و پویا تغییر ماهیت دهد.

پیشنهاد دوم:

لازم است اعضای جدید هیات امناء در اولین اقدام، عبارت زیر را به تصویب رسانده و جهت اجرا به سازمان مرکزی دانشگاه فنی و حرفه ای کشور ابلاغ نمایند:

« تمامی آئین نامه های آموزشی، اداری و مالی دانشگاه فنی و حرفه ای باید بر اساس نظام آموزش حرفه ای بازتعریف و تدوین شوند.»

به محض تصویب همین اصل اساسی، دومینوی اصلاحات برای جبران خرابی های بار آمده در دانشگاه فنی و حرفه ای آغاز خواهد شد و همین مصوبه به چراغ راه تحول بنیادین در این مجموعه تبدیل خواهد گردید. بخشی از اصلاحات ناشی از این مصوبه به شرح ذیل است.

۱. آموزشکده های سراسر کشور به روال کار سال های قبل از دهه ۶۰ باز خواهند گشت و همانند بیمارستانها که واحد آموزشی و درمانی هستند، آموزشکده ها نیز به **مراکز آموزشی تولیدی**، آموزش خدماتی و آموزشی کشاورزی تبدیل خواهند شد.

۲. آئین نامه اجرایی تبصره بند ب ۷۵ مصوب مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۶۰ که انستیتو تکنولوژی ها، دانشکده های پزشکی و پیرا پزشکی را از تمامی درآمدهای دولتی مستثنی می نمود، احیا خواهد گردید و جایگزین **آئین نامه مالی معاملاتی** فعلی (که از دانشگاه های نظری کپی شده است) خواهد شد. با احیای این آئین نامه تمامی اساتید، کارکنان و دانشجویان آموزشکده ها به کادر آموزشی تولیدی یا آموزشی خدماتی تغییر ماهیت داده و طبق بند ۲۴ همین آئین نامه از شمول قوانین کار، پرداخت مالیات بر درآمد و ارزش افزوده و حتی از قانون منع مداخله کارکنان دولت، خارج خواهند شد.

۳. دانشگاه فنی و حرفه ای نیازی به جذب نیروی انسانی جدید یا **استخدام هیات علمی** دائمی نخواهد داشت بلکه به تناسب آمایش ملی و نیاز بومی و محلی، با استقرار صنعتگران در کارگاه ها و آزمایشگاه های خود، دانشجویان را در محیطهای واقعی تولیدی، خدماتی و کشاورزی آموزش خواهد داد و از بین

استادکاران خبره و کار آمد پس از تعیین سطح حرفه ای، همانند اساتید هیات علمی بالینی بیمارستان ها، دعوت به همکاری خواهد نمود.

۴. **چارت سازمانی** آموزشکده ها تغییر یافته و همانند بیمارستانها، تمامی کادر اداری، اساتید و دانشجویان زیر نظر رئیس مرکز، در دو حوزه معاونت **اجرایی** و معاونت **فنی** به تولید، آموزش یا ارائه خدمات مشغول خواهند شد. معاونان فنی، مسئول تامین و آماده سازی تجهیزات، انعقاد قراردادهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی و معاونین اجرایی مسئول اجرای صحیح فرآیند تولید و آموزش خواهند شد.

۵. نیازی به تامین اعتبار برای **خرید تجهیزات** و دپوی آنها در کارگاه ها و آزمایشگاه ها نخواهد بود بلکه معاونان فنی با ارزیابی صنایع و فناوریهای نوین، مراکز خدماتی و کشاورزی مختلف در شهرها و روستاها، نظام آموزش دو گانه (دوآل) را به معنای واقعی در هر زیست بوم کشور برپا خواهند نمود. صنایع و شرکتهای همکار با دانشگاه فنی و حرفه ای نیز به درجه (گرید) صنعتی آموزشی ارتقاء خواهند یافت و مانند کشورهای صنعتی پیشرفته، ارتباط واقعی بین صنعت و دانشگاه محقق خواهد شد.

۶. **نظام ارتقای اساتید** به کلی تغییر خواهد کرد و اساتید به تناسب نقشی که در تولید یا صنعت و خدمات ارائه می دهند و به میزان توانمندیهای حرفه ای که کسب می کنند، به مدارج عالی ارتقا خواهند یافت و ارزش و جایگاه سابقه کار و خدمت، از مدرک تحصیلی فراتر خواهد رفت. چراکه در نظام آموزش حرفه ای، خلبان را با تعداد سورتی پرواز، جراح را با تعداد عمل جراحی موفق، معمار را با بناهایی که می سازد و استاد مکانیک را با خط تولیدی که به راه می اندازد، قالبساز را با قطعاتی که در اختیار کارخانه ها قرار می دهد و... می سنجند نه با تعداد سخنرانی ها یا مقالات چاپ شده در ژورنالهای خارجی، و بدین گونه اساتید به پوشیدن لباس کار خواهند بالید و در بین دانشجویان، سوال استاد چه مدرکی دارد؟ رنگ خواهد باخت و جای خود را به استاد چه ماشینی را ساخته است؟ چه بنایی را برپا نموده است یا چه محصولی را تولید کرده است؟ و... خواهد داد.

۷. استادان به کارخانه هایی که بنا می کنند یا شرکتهایی که تاسیس می کنند یا مزارعی که آباد می کنند، افتخار خواهند کرد و همانگونه که یک پزشک با اخذ مجوز تاسیس مطب طبابت، به درجه اعلاهی حرفه ای نائل می شود، اساتید دانشگاه فنی و حرفه ای نیز با تاسیس کارخانه ای پیشرفته و یا سبز نمودن مزرعه و باغی به بار نشسته، یا افتتاح دفتر طراحی و بنای عمارتی باشکوه و ... **توانمندی های حرفه ای** خود را به رخ خواهند کشید. در آن صورت برای صدور حکم استاد تمام وقت در دانشگاه فنی و حرفه ای، لازم نخواهد بود از اساتید، تعهد کتبی بگیرند تا به اجبار، کارخانه ها یا شرکتهایی را که تاسیس کرده اند، ترک کنند.

۸. در نظام آموزش حرفه ای، **سرفصلهای آموزشی** از کف بازار و صنعت جمع می شوند، یعنی به تناسب نیازهای جامعه به فناوری های پیشرفته، سرفصل دروس تدوین می شوند. چراکه در این نظام، کار و آموزش برای تحصیل مدرک نیست بلکه برای فائق آمدن بر مشکل ها یا چیرگی بر جهان در حال تغییر است. آموختن برای اندوختن ذهن از معلومات نیست بلکه یاد گرفتن برای آن است که آموخته ها پیامد آشکاری بر بهبود شرایط زندگی داشته باشند. مسیری برای رسیدن به رفاه باز کنند، یا راه حلی برای فرار از فقر پیش پا بگذارند یا بستری امن برای در آغوش کشیدن امنیت و شادی بگسترند.

۹. در تمامی نظام های آموزش حرفه ای، دانشجویان به محض ثبت نام در دانشگاه، صاحب شغل و در آمد می شوند، همانگونه که در آموزشکده های سابق تربیت دبیر فنی یا تربیت معلم های فعلی و یا مراکز آموزشی درمانی وزارت بهداشت نیز همین گونه است. در این نظام آموزشی، آموختن به معنای آماده شدن برای اشتغال در آینده نیست بلکه آغاز آموختن، همان **آغاز اشتغال** است.

مطمئن باشید همانگونه که با استقرار نظام آموزش حرفه ای در بیمارستانهای کشور، دلاکی و کحالی به عنوان پست ترین مشاغل کشور و بخش تهاجمی طبابت و درمان از جامعه رخت بر بست و جای خود را به رشته های با منزلت اجتماعی بالا همچون جراحی و دندانپزشکی داد، در طول یک دهه با استقرار نظام آموزش حرفه ای در این دانشگاه نیز، جایگاه و منزلت اجتماعی کار و حرفه در صنعت، خدمات و کشاورزی ارتقاء خواهد یافت و همانند کشورهای پیشرفته، خانواده ها برای هدایت فرزندانشان به رشته های حرفه ای به رقابت خواهند پرداخت.

جواد سقای سعیدی، آبان هزارو چهار صد